

نامه پوئس رسول به غلاطیان

مقدمه

غلاطیه منطقه‌بی است که در آسیای صغیر یعنی ترکیه امروزی موقعیت دارد. پوئس رسول این نامه را به مسیحیان این منطقه که در آن زمان یکی از ولایتهای امپراطوری روم بود، نوشته است.

زمانی که خبرخوش در مورد عیسی موعظه شد و مورد استقبال مردم غیریهود قرار گرفت، سوال به وجود آمده بود که آیا یک مسیحی واقعی از شریعت موسی باید اطاعت کند یا خیر؟ پوئس استدلال می‌کند که نیاز به چنین کاری نیست. در حقیقت ایمان، بنای اساسی زندگی یک مسیحی است و این ایمان ما را در نظر خدا عادل می‌سازد. اما در میان مسیحیان غلاطیه، عده‌بی از مردم با پوئس مخالفت می‌کردند و چنین ادعا داشتند که برای عادل شمرده شدن نزد خدا، شریعت موسی را نیز باید رعایت کرد.

هدف اصلی نوشتن این نامه تشویق ایمانداران به بازگشت به ایمان واقعی و اصلاح اشخاصی است که در نتیجهٔ تعالیم نادرست گمراه شده بودند. پوئس این نامه را به دفاع از رسالت خود شروع کرده و خود را رسول برحق عیسیای مسیح می‌خواند. او بر این نکته تأکید می‌کند که رسالت او از طرف خداست، نه از جانب انسان. پوئس بیان می‌کند که وظیفهٔ او به صورت خاص، خدمت به غیریهودیان است. سپس به دفاع از این عقیده می‌پردازد که انسان تنها از طریق ایمان نزد خدا عادل شمرده می‌شود. او در فصلهای آخر

نشان می‌دهد که رفتار شخص ایماندار، محصول محبتی است که از نتیجه ایمان به مسیح حاصل می‌گردد.

فهرست موضوعات

پیشگفتار: فصل ۱:۱ - ۱۰

پولس چگونه رسول مسیح شد؟: فصل ۱۱:۱ - ۲۱:۲

شریعت یا فیض خدا: فصل ۳ - ۴

آزادی و مسؤولیت پیروان مسیح: فصل ۱:۵ - ۱۰:۶

تحمل یکدیگر و سخنان پایانی: فصل ۱۱:۶ - ۱۸

۱ این نامه از طرف پولس است که رسالت خود را نه از جانب انسان و نه به وسیله انسان بلکه از طرف عیسای مسیح و خدای پدر که مسیح را پس از مرگ زنده گردانید، به دست آورده است. تمام ایماندارانی که با من هستند به همه ایمانداران در کلیساهای غلاطیه سلام می‌رسانند. ^۳ فیض و سلامتی از طرف پدرآسمانی ما خدا و سرور ما عیسای مسیح به شما باد، ^۴ همان عیسایی که جان خود را برای گناهان ما داد تا ما را از این زمانه شریر، مطابق اراده پدرآسمانی ما یعنی خدا رهایی بخشد. ^۵ خدا را تا به ابد جلال باد! آمین.

یگانه‌گی خبرخوش

^۶ من از این تعجب می‌کنم که شما به این زودی از خدایی که شما را به فیض مسیح دعوت کرد، روی‌گردان شدید و به پیام دیگری رو آوردید، ^۷ در صورتی که پیام دیگری وجود ندارد اما عده‌یی هستند که می‌خواهند شما را پریشان سازند و خبرخوش مسیح را تحریف نمایند. ^۸ اما اگر ما یا حتی فرشته‌ای از آسمان، پیامی غیر

از آنچه ما موعظه کردیم بیاورد، بر او لعنت باد. ^۹ چنان که قبلاً گفته بودم، اکنون باز هم می‌گویم: «اگر کسی پیامی غیر از آن خبر خوشی که پذیرفته‌اید به شما موعظه کند، لعنت بر او باد.»

^{۱۰} آیا اکنون رضایت انسان را می‌خواهم، یا رضایت خدا را؟ آیا مقصد من خوش ساختن انسان است؟ نخیر، اگر برای جلب رضایت انسان کوشش می‌کردم، دیگر نمی‌توانستم غلام مسیح باشم.

پولس چگونه رسول مسیح شد؟

^{۱۱} ای ایمانداران! من به شما اعلام می‌دارم، خبر خوش که از سوی من موعظه شده است، از طرف انسان نیست. ^{۱۲} من آن را از کسی نگرفته‌ام و کسی هم آن را به من نیاموخته است بلکه عیسای مسیح آن را به من الهام نمود.

^{۱۳} از زندگی سابق من در دین یهود باخبر هستید که چگونه با بی‌رحمی به اعضای کلیسای خدا آزار می‌رسانیدم و در نابودی آن کوشش می‌کردم. ^{۱۴} من در یهودیت، از تمام یهودیان هم سن خود پیشی می‌گرفتم و بیشتر از آنها در اجرای تعالیم اجداد خود سختگیر بودم. ^{۱۵} اما وقتی خدا که مرا قبل از تولد برگزید و به وسیله فیض خود دعوت کرد، صلاح دانست ^{۱۶} تا پسر خود را به من آشکار سازد که درباره او به مردم غیریهود موعظه کنم، در این کار با هیچ‌کس مشورت نکردم. ^{۱۷} من به اورشلیم نزد آنها بی که قبل از من رسول بودند نرفتم بلکه به عربستان رفتم و پس از آن به دمشق برگشتم.

۱۸ بعد از سه سال به اورشلیم برگشتم تا با پطرس آشنا شوم و مدت پانزده روز نزد او ماندم. ۱۹ اما از سایر رسولان به جز یعقوب، برادر عیسیای مسیح، کسی دیگر را ندیدم. ۲۰ آنچه به شما می‌نویسم، حقیقت است و خدا شاهد است که دروغ نمی‌گویم. ۲۱ سپس به نواحی سوریه و قیلیقیه رفتم. ۲۲ پیروان مسیح در یهودیه، مرا شخصاً نمی‌شناختند، ۲۳ فقط شنیده بودند که: «آن کسی که به ما آزار می‌رسانید، اکنون همان ایمانی را موعظه می‌کند که زمانی می‌کوشید آن را از بین ببرد.» ۲۴ و خدا را به خاطر من ستایش می‌کردند.

پوئس و رسولان دیگر

۲ پس از چهارده سال، دوباره با برنابا به اورشلیم برگشتم و تیطوس را نیز با خود بردم. ۲ من از خدا الهام گرفتم و به آنجا رفته در ارتباط رسانیدن خبرخوش در میان غیریهودیان گزارش دادم. البته اول آن را به شکل خصوصی به اشخاص برجستهٔ کلیسا شریک ساختم تا زحمتهای گذشته و فعالیت امروزی من بیهوده نباشد. ۳ همسفر من تیطوس اگرچه یونانی بود، با وجود آن او را مجبور نکردند که ختنه شود، ۴ اگرچه عده‌یی که وانمود می‌کردند ایماندار هستند، می‌خواستند او را ختنه کنند. آنها مانند جاسوسان مخفیانه در میان ما رخنه کرده بودند تا از آن آزادی که در عیسیای مسیح داریم آگاهی یابند و ما را دوباره به بنده‌گی بکشند. ۵ اما به آنها یک لحظه هم فرصت ندادیم، زیرا می‌خواستیم که حقیقت خبرخوش همیشه برای شما محفوظ بماند.

۶ اما آنهایی که ظاهراً اشخاص برجسته در کلیسا بودند، چیزی به

پیام ما اضافه نکردند. نام و نشان آنها برای من اهمیتی ندارد، زیرا خدا آدمها را به ظاهر قضاوت نمی‌کند.^۷ برعکس آنها به این حقیقت پی بُردند که خدا برای من وظیفهٔ اعلام خبرخوش به غیریهودیان را داده است، یعنی کسانی که ختنه نشده‌اند. همان‌طور که وظیفهٔ اعلام خبرخوش به یهودیان را به پطرس سپرده بود، یعنی کسانی که ختنه شده‌اند.^۸ همان خدایی که به من قدرت داد تا رسول غیریهودیان باشم، به پطرس نیز قدرت بخشید تا رسول یهودیان باشد.^۹ وقتی یعقوب، پطرس و یوحنا که اشخاص برجستهٔ کلیسا بودند، فیض خدا را که به من عطا شده بود مشاهده کردند، دست من و برنابا را به علامت همکاری فشردند و موافقت کردند که ما نزد غیریهودیان برویم و آنها در میان یهودیان کار کنند.^{۱۰} تنها درخواستی که داشتند این بود که در فکر فقرا باشیم، یعنی همان کاری که خودم نیز می‌خواستم انجام دهم.

ملامت کردن پطرس

^{۱۱} اما وقتی پطرس به شهر انطاکیه سوریه آمد، روبرو با او مخالفت کردم، چون کاملاً مقصر بود.^{۱۲} پطرس با ایمانداران غیریهود که ختنه نشده بودند غذا می‌خورد، اما با رسیدن پیروان مسیح که یهودی مادرزاد بودند و از طرف یعقوب فرستاده شده بودند، خود را کنار کشید و دیگر با غیریهودیان نان نخورد چون ترس داشت که مبادا کسانی را که به ختنه کردن پابند بودند، برنجانند.^{۱۳} دیگر ایمانداران یهودی نیز از این ریاکاری او پیروی کردند تا حدی که برنابا نیز زیر تأثیر آنها قرار گرفت.^{۱۴} وقتی دیدم که رفتار آنها با حقیقت خبرخوش یکی نیست، در حضور همه به پطرس خطاب کرده گفتم: «اگر تو با این که یهودی هستی، مانند غیریهودیان

زندگی می‌کنی و نه مانند یهودیان، چطور می‌توانی غیریهودیان را
مجبور سازی که مانند یهودیان زندگی کنند؟»

یهودیان و غیریهودیان به وسیلهٔ ایمان نجات می‌یابند

^{۱۵} ما که یهودی مادرزاد هستیم و نه غیریهودی گناهکار، ^{۱۶} خوب
می‌دانیم که هیچ‌کس با اجرای احکام شریعت در حضور خدا
عادل شمرده نمی‌شود، مگر این که به عیسای مسیح ایمان بیاورد.
ما خود نیز به عیسای مسیح ایمان آوردیم تا به وسیلهٔ ایمان و نه با
اجرای شریعت، عادل شمرده شویم، زیرا هیچ‌کس نمی‌تواند با
انجام احکام شریعت عادل شمرده شود.

^{۱۷} پس اگر در تلاش برای رسیدن به عدالتی که در مسیح یافت
می‌شود، مردم ما را مانند غیریهودیان گناهکار شمار کنند، آیا در
آن صورت مسیح را سبب گناه خود بدانیم؟ هرگز نه! ^{۱۸} زیرا اگر
آنچه را که خود ویران کرده‌ام بار دیگر بنا کنم، در آن صورت
نشان می‌دهم که شخص گناهکار هستم. ^{۱۹} بر اساس شریعت
موسی، مُرده‌ام. پس دیگر تحت شریعت نیستم بلکه برای خدا
زندگی می‌نمایم. ^{۲۰} من با مسیح بر صلیب کشیده شدم، حالا آن
کسی که زندگی می‌کند من نیستم، بلکه مسیح است که در من
زندگی می‌کند. در خصوص این زندگی جسمانی که اکنون دارم،
فقط به وسیلهٔ ایمان به پسر خدا زندگی می‌کنم که به من محبت
کرد و جان خود را به خاطر من داد. ^{۲۱} فیض خدا را بیهوده
نمی‌شمارم، زیرا اگر عدالت از راه شریعت حاصل می‌شد، مرگ
مسیح بی‌فایده می‌بود.

با شریعت یا ایمان

۳ ای غلاطیان نادان! مرگ عیسی‌ای مسیح چنان به روشنی

برای تان بیان گردید که گویا او در برابر چشمان تان بر صلیب

کشیده شد. پس چه کسی شما را جادو کرده است که از حقیقت

اطاعت نکنید؟^۲ من از شما می‌پرسم که آیا شما روح مقدس را از

راه انجام دادن شریعت به دست آوردید، یا از شنیدن خبر خوش و

ایمان آوردن به آن؟^۳ پس چطور می‌توانید به این اندازه نادان

باشید؟ شما که با روح مقدس شروع کردید، آیا اکنون می‌خواهید

با قدرت جسمانی خود به کمال برسید؟^۴ آیا این همه چیزهایی که

بر شما واقع شد، بی‌فایده بود؟ من فکر نمی‌کنم که این طور بوده

باشد.^۵ آیا خدایی که روح خود را به شما می‌بخشد و در میان شما

معجزه‌ها می‌کند، این کارها را به خاطر این که احکام شریعت را

بجا می‌آورید انجام می‌دهد و یا این که خبر خوش را می‌شنوید و به

آن ایمان می‌آورید؟

۶ برای ابراهیم درست همین‌طور شد. «او به خدا ایمان آورد و

خدا این را برای او عدالت شمرد.»^۷ پس باید بدانید کسانی که

ایمان دارند، فرزندان حقیقی ابراهیم هستند.^۸ چون نوشته‌های

پیامبران پیشگویی می‌کند که خدا غیریهودیان را از راه ایمان عادل

می‌شمارد، زیرا قبلاً به ابراهیم این خبر خوش را اعلام کرده بود:

«به وسیله تو، همه ملت‌ها برکت خواهند یافت.»^۹ پس کسانی که

ایمان دارند، در برکت‌های ابراهیم که ایمان داشت، شریک

هستند.

۱۰ همه کسانی که به احکام شریعت تکیه می‌کنند لعنت شدند،

چنان که در تورات نوشته شده است: «لعنت به هرکسی که تمام احکامی را که در کتاب شریعت موسی نوشته شده است، بجا نیاورد.»^{۱۱} واضح است که هیچ کس در نظر خدا به وسیله شریعت عادل شمرده نمی شود زیرا «شخص عادل به وسیله ایمان زندگی می کند.»^{۱۲} اما شریعت کاری به ایمان ندارد، زیرا در تورات نوشته شده است: «کسی که به احکام شریعت عمل می کند، با اجرای احکام شریعت زندگی خواهد یافت.»

^{۱۳} وقتی مسیح به خاطر ما مورد لعنت قرار گرفت، ما را از لعنت شریعت آزاد کرد زیرا نوشته شده است: «هرکسی که بر صلیب آویخته شود، لعنت خدا بر اوست.»^{۱۴} این همه واقع شد تا برکتی را که خدا به ابراهیم وعده داده بود، به وسیله عیسی مسیح به غیریهودیان برساند تا ما روح وعده شده خدا را از راه ایمان به دست آوریم.

شریعت و وعده های خدا

^{۱۵} ای ایمانداران! می خواهم از زندگی روزمره یک مثال برای تان بیاورم؛ هیچ کس نمی تواند پیمانی را که میان دو شخص بسته شده است، بشکند یا به آن چیزی اضافه کند.^{۱۶} به این صورت برای ابراهیم و نسل او، وعده ای داده شده است. اما در این وعده گفته نمی شود نسلها، تا شامل بسیاری گردد بلکه می گوید به نسل تو که هدف آن همان مسیح است.^{۱۷} هدف من این است که شریعت موسی که چهار صد و سی سال بعد برقرار گردید، نمی تواند پیمانی را که خدا با ابراهیم بست، از بین ببرد و وعده خدا را باطل سازد،^{۱۸} زیرا اگر میراث بر شریعت استوار باشد، دیگر به وعده استوار

نیست اما خدا آن را از راه وعده به ابراهیم بخشید.

^{۱۹} پس هدف از شریعت موسی چه بود؟ شریعت برای نشان دادن گناه اضافه شد و باید تا زمان ظهور آن نسلی که به ابراهیم وعده شده بود، دوام می‌یافت. تورات به وسیله فرشته‌گان و به دست موسی که یک میانجی بود، برقرار شد. ^{۲۰} هر جا میانجی باشد، وجود دو طرف حتمی است اما آن وعده به ابراهیم تنها از طرف خدای یکتا آمد.

تحت سرپرستی شریعت

^{۲۱} اما آیا شریعت موسی با وعده‌های خدا مخالفت دارد؟ هرگز! زیرا اگر شریعتی داده شده بود که قادر به بخشیدن زندگی بود، البته عدالت نیز به وسیله شریعت میسر می‌شد. ^{۲۲} اما نوشته‌های پیامبران همه را اسیر گناه می‌داند تا برکت وعده شده‌بی که از راه ایمان به عیسای مسیح است به ایمانداران داده شود.

^{۲۳} اما قبل از ایمان آوردن، ما در بند شریعت بودیم و در انتظار آن ایمانی که باید ظاهر می‌شد به سر می‌بردیم. ^{۲۴} به این ترتیب شریعت سرپرست قانونی ما بود تا زمانی که مسیح بیاید تا به وسیله ایمان عادل شمرده شویم، ^{۲۵} اما اکنون که دوره ایمان آمده است، دیگر تحت سرپرستی شریعت نیستیم ^{۲۶} زیرا به وسیله ایمان به عیسای مسیح همه فرزندان خدا شمرده شده‌ایم. ^{۲۷} شما که در اتحاد با مسیح تعمید گرفتید، دارای خصلت مسیح شدید. ^{۲۸} پس دیگر هیچ تفاوتی میان یهودی و غیریهودی، غلام و آزاد، مرد و زن وجود ندارد، زیرا همه شما در عیسای مسیح یکی هستید. ^{۲۹} اگر متعلق به مسیح هستید، از نسل ابراهیم و مطابق وعده خدا،

۴ پس می‌گوییم تا زمانی که وارث بالغ نشده است، با یک غلام فرقی ندارد، هر چند مالک همه‌ی دارایی باشد.^۲ وارث تا روزی که پدرش معین کرده است، زیر مواظبت سرپرستان و ناظران به سر خواهد بُرد.^۳ همین‌طور ما نیز تا زمانی که از نظر روحانی بالغ نشده بودیم، غلام اصول دنیوی بودیم.^۴ اما چون زمان معین فرارسید، خدا پسر خود را فرستاد که از یک زن تولد یافته و تحت فرمان شریعت قرار داشت^۵ تا کسانی را که تحت فرمان شریعت بودند آزاد کند و به این‌گونه ما مقام فرزندی خدا را به دست آوریم.

۶ خدا برای این که نشان دهد که فرزندان او هستیم، روح پسر خود را به قلبهای ما فرستاد و این روح صدا می‌زند و می‌گوید: «ابا» یعنی «ای پدر.»^۷ پس تو دیگر غلام نیستی بلکه فرزند خدا هستی. چون فرزند هستی، خدا همه برکت‌های وارث را برای تو عطا می‌کند.

نگرانی پولس برای غلاطیان

۸ در گذشته وقتی شما خدا را نمی‌شناختید، چیزهایی را بنده‌گی می‌کردید که در حقیقت، خدا نبودند.^۹ اما اکنون که خدا را می‌شناسید یا بهتر بگوییم خدا شما را می‌شناسد، چگونه می‌خواهید به اصول دنیوی که ناتوان و بی‌ارزش هستند برگردید؟ چرا می‌خواهید دوباره برده‌گان آن چیزها شوید؟^{۱۰} با تجلیل از روزها، ماه‌ها، فصلها و سالهای خاص، شما تحت تأثیر شریعت موسی

قرار دارید. ^{۱۱} می‌ترسم تمام زحمتهایی را که تا اکنون برای شما کشیده‌ام، بی‌فایده باشد!

احساس همدردی پوئس با ایمانداران

^{۱۲} ای ایمانداران! از شما تقاضا می‌کنم که مانند من شوید، زیرا من هم مانند شما شده‌ام. شما در حق من هیچ بدی نکرده‌اید. ^{۱۳} شما می‌دانید، اولین بار که خبرخوش را برای شما اعلام کردم، مریضی دچار من شده بود، ^{۱۴} اگرچه مریضی من باعث مشکلات زیادی برای شما شد، شما مرا خوار نشمردید و از من روی‌گردان نشدید، حتی از من طوری پذیرایی کردید که گویا فرشتهٔ خدا یا حتی خود عیسای مسیح بودم. ^{۱۵} پس آن احساس خوشی‌تان چه شد؟ من شاهد هستم که اگر می‌توانستید، حتی چشمان خود را بیرون کشیده به من می‌دادید. ^{۱۶} آیا حالا که حقیقت را به شما گفته‌ام، دشمن شما شده‌ام؟

^{۱۷} اشخاصی که به شما توجهٔ زیاد نشان می‌دهند، نیت خوب ندارند و می‌خواهند که شما را از من جدا سازند تا طرفدار آنها شوید. ^{۱۸} جلب توجه اگر برای یک هدف عالی باشد، همیشه چیز خوبی است، نه فقط وقتی که با شما هستم. ^{۱۹} فرزندان عزیز من، بار دیگر مانند مادری که در وقت زایمان درد می‌کشد، برای شما احساس درد می‌کنم تا شما خصلت مسیح را به خود بگیرید. ^{۲۰} ای کاش اکنون نزد شما می‌بودم تا با شکل دیگری با شما سخن می‌گفتم زیرا در مورد شما بسیار حیران هستم.

^{۲۱} شما که علاقه دارید زیر فرمان شریعت باشید، به من جواب بدهید که آیا آنچه را که شریعت می‌گوید، نمی‌شنوید؟ ^{۲۲} زیرا در تورات نوشته شده است که ابراهیم دو پسر داشت، یکی از کنیز و دیگری از زن آزاد. ^{۲۳} پسر کنیز به طور معمولی زاده شد اما پسر زن آزاد با وعده خدا به دنیا آمد. ^{۲۴} این چیزها را می‌توان چنین تشبیه کرد: این دو زن نشان‌دهنده دو پیمان هستند. یکی از کوه سینا که فرزندان برای برده‌گی می‌آورد و نامش هاجر است. ^{۲۵} هاجر، نماینده کوه سینا در عربستان است، او مانند اورشلیم امروزی است که خود و فرزندان در بنده‌گی گرفتارند. ^{۲۶} اما اورشلیم آسمانی، آزاد است و مادر ماست، ^{۲۷} زیرا نوشته شده است:

«شادباش ای زن بی‌اولاد که فرزندی به دنیا نیاورده‌ای،

و ای تو که درد زایمان نکشیده‌ای،

به آواز بلند سرود بخوان و فریاد برآور!

زیرا فرزندان زن بی‌کس، از فرزندان زن شوهردار بیشتراند.»

^{۲۸} اکنون ای ایمانداران! شما مانند اسحاق، فرزندان وعده شده خدا هستید. ^{۲۹} در آن زمان فرزندی که به طور معمولی زاییده شده بود، فرزندی را که به قدرت روح خدا تولد یافته بود، آزار می‌داد، امروز نیز همین‌طور است. ^{۳۰} اما تورات چه می‌گوید؟ خدا فرمود: «کنیز و پسرش را بیرون کن، زیرا پسر کنیز در میراث پسر زن آزاد شریک نخواهد بود.» ^{۳۱} پس ای ایمانداران! ما فرزندان کنیز

نیستیم بلکه فرزندان زن آزاد می‌باشیم.

در آزادی‌تان استوار بمانید

۵^۱ مسیح ما را رهایی بخشید، پس در آزادی‌تان استوار بمانید. نگذارید که بار دیگر یوغ بنده‌گی به گردن شما گذاشته شود.

۲^۲ ببینید، من پولس به شما می‌گویم، اگر اجازه دهید که شما را ختنه کنند، مسیح برای شما فایده‌ی ندارد. ^۳ به کسی که می‌خواهد ختنه شود بار دیگر تأکید می‌کنم: او مجبور است تا از تمام احکام شریعت اطاعت نماید. ^۴ شما که کوشش می‌کنید با اجرای شریعت عادل شمرده شوید، ارتباط خود را با مسیح قطع می‌کنید و از فیض خدا دور می‌شوید. ^۵ زیرا ما به وسیلهٔ روح مقدس در انتظار آن عدالتی هستیم که از راه ایمان حاصل می‌شود. ^۶ برای کسی که در عیسای مسیح زندگی می‌کند، ختنه شدن یا ختنه نشدن چیز مهمی نیست. آنچه مهم است، ایمانی است که با محبت عمل می‌کند.

۷^۷ شما خوب پیش می‌رفتید. چه کسی شما را چنین گمراه ساخت که نباید از حقیقت اطاعت کنید؟ ^۸ این کار از جانب خدا نیست، چون او شما را به حقیقت دعوت کرده است. ^۹ «مقدار کمی خمیرمایه، خمیر زیادی را می‌رساند.» ^{۱۰} من در خداوند اطمینان دارم که شما عقیدهٔ دیگری نخواهید داشت و آن کس که شما را به دودلی انداخته است، هرکسی که باشد به جزای اعمالش خواهد رسید.

۱۱^{۱۱} اما ای ایمانداران! اگر من هنوز ختنه کردن را موعظه می‌کردم،

پس چرا باز هم از طرف یهودیان جفا می دیدم؟ اگر چنین کاری می کردم، دیگر کسی از موعظهٔ صلیب نمی رنجید. ^{۱۲} ای کاش کسانی که به خاطر ختنه کردن این قدر شما را پریشان می سازند، ختنهٔ خود را کاملتر کرده و خویشان را از مردی می انداختند.

^{۱۳} ای ایمانداران! شما برای آزادی فراخوانده شده اید، ولی از این آزادی برای برآوردن هوسهای جسمانی خود سوءاستفاده نکنید بلکه با محبت یکدیگر را خدمت کنید. ^{۱۴} زیرا تمام شریعت در یک حکم خلاصه می شود: «همسایهات را مانند خود دوست بدار.» ^{۱۵} اما اگر مانند حیوان درنده بر ضد همدیگر بجنگید، یکدیگر را به طور کامل نابود خواهید ساخت.

کار روح مقدس و کار طبیعت نفسانی

^{۱۶} پس من می گویم، اگر با روح مقدس زندگی کنید، خواهشهای نفسانی را بجا نخواهید آورد. ^{۱۷} زیرا خواهشهای نفسانی، خلاف خواست روح مقدس است و خواهشهای روح مقدس برخلاف طبیعت نفسانی است. این دو مخالف یکدیگراند. شما نمی توانید هرچه دل تان بخواهد بکنید. ^{۱۸} اما اگر روح مقدس شما را هدایت کند، شما تحت فرمان شریعت نیستید.

^{۱۹} کارهای طبیعت نفسانی عبارت اند از: فساد جنسی، ناپاکی، هرزه گوی، ^{۲۰} بت پرستی، جادوگری، دشمنی، ستیزه جویی، حسادت، خشم، رقابت، اختلاف، تفرقه، ^{۲۱} طمع، مستی، عیاشی و مانند اینها. چنان که در گذشته به شما هشدار داده بودم، باز می گویم کسانی که چنین کارهایی را می کنند، در میراث پادشاهی خدا نصیبی نخواهند داشت.

^{۲۲} اما ثمره‌یی که روح مقدس به بار می‌آورد محبت، خوشی، سلامتی، بردباری، مهربانی، خیرخواهی، وفاداری، ^{۲۳} فروتنی و خویش‌ننداری است که هیچ قانونی برخلاف آن وجود ندارد. ^{۲۴} کسانی که متعلق به عیسای مسیح هستند، طبیعت نفسانی را با هوسها و خواهشهای آن بر صلیب گشته‌اند. ^{۲۵} اگر روح مقدس سرچشمهٔ زندگی ماست، پس رفتار ما هم باید مطابق روح مقدس باشد. ^{۲۶} خودپسند نباشیم و یکدیگر را نرنجانیم و بر یکدیگر حسادت نورزیم.

بارهای یکدیگر را تحمل کنید

^۱ ^۶ ای ایمانداران! اگر کسی مرتکب گناه شد، شما که اشخاص روحانی هستید، او را با ملایمت و فروتنی به راه راست رهنمایی کنید. اما هوشیار باشید، مبادا شما نیز وسوسه شوید. ^۲ بارهای سنگین همدیگر را تحمل کنید، به این‌گونه شریعت مسیح را بجا خواهید آورد. ^۳ زیرا اگر کسی خود را شخص بزرگی بداند، در حالی که شخص مهمی نیست، خود را فریب می‌دهد. ^۴ هرکس باید رفتار خود را بیازماید و اگر رفتارش پسندیده بود، می‌تواند به خود فخر کند و لزومی ندارد که خود را با دیگران مقایسه کند، ^۵ زیرا هرکس باید مسئول تحمل بار خود باشد.

^۶ کسی که در کلام خدا آموزش می‌یابد، باید آموزگارش را در تمام برکت‌های خود شریک سازد.

^۷ فریب نخورید، هیچ‌کس نمی‌تواند خدا را مورد تمسخر قرار دهد، زیرا انسان آنچه بکارد، همان را درو خواهد کرد. ^۸ اگر کسی

در کِشتزار نفس خویش بکارد، از آن خرمن مرگ را درو خواهد کرد و اما اگر در کِشتزار روح مقدس بکارد از آن روح زندگی ابدی را درو خواهد کرد.^۹ نباید از نیکوکاری خسته شویم، زیرا اگر دست از کار نکشیم، حاصل خود را در وقت مناسب درو خواهیم کرد.^{۱۰} پس تا آنجا که فرصت داریم، به همه نیکی کنیم، مخصوصاً به کسانی که در ایمان با ما اعضای خانواده هستند.

سخنان پایانی

^{۱۱} ببینید که من با چه حرفهای کلان و خوانا با دستهای خود برای تان می نویسم.^{۱۲} آنهایی که می خواهند به ظاهر و در جسم، خود را خوب نشان دهند، شما را به ختنه شدن مجبور می سازند. زیرا نمی خواهند به خاطر صلیب مسیح جفا ببینند.^{۱۳} زیرا حتی خود آنهایی که ختنه شده اند، شریعت را بجا نمی آورند بلکه می خواهند که شما ختنه شوید تا به اطاعت شما در یک عمل جسمانی فخر کنند.^{۱۴} اما خدا نکند که من به چیزی غیر از صلیب سرور ما عیسای مسیح فخر کنم، زیرا با صلیب او، دنیا برای من بر صلیب کشیده شد و من برای دنیا.^{۱۵} ختنه شدن یا ختنه نشدن مهم نیست بلکه فقط خلقت نو در عیسای مسیح اهمیت دارد.^{۱۶} به آنهایی که در زندگی خود از این اصول پیروی می کنند و به اسرائیل حقیقی خدا، سلامتی و رحمت باد.

^{۱۷} بیش از این هیچ کس مرا آزار ندهد، زیرا من داغهای مسیح را بر بدن خود دارم.

^{۱۸} ای ایمانداران! فیض خداوند ما عیسای مسیح با روح شما باد. آمین.

سوال دارید؟ +1 807.700.6090 

© دري جديد ۲۰۲۲ afghanbibles.org

Copyrighted material not for reprint/publishing purposes.